

نقش روسیه در توسعه راه تجاری مشهد- عشق آباد با تکیه بر اسناد کنسولگری بریتانیا (1890-1910م.)

پیمان ابوالبشری^۱

علی یحیایی^۲

◆ چکیده

از اواخر سده نوزدهم و در آستانه سده بیستم میلادی، ایران مانند بسیاری دیگر از کشورها، تحت تأثیر تحولات سریع جهانی ناشی از انقلاب‌های صنعتی و اقتصادی و اجتماعی مغرب زمین قرار گرفت و به عرصه جهانی شدن کشانیده شد. روسیه که از مدت‌ها پیش، خود در آن مسیر قرار گرفته بود، برای نفوذ در ایران می‌کوشید. یکی از زمینه‌های نفوذ، تجارت بود؛ تجارت میان ایران و روسیه در ایالت خراسان در عصر قاجار تأثیری بنیادین بر روابط دو کشور داشت و بیش از $\frac{2}{3}$ صادرات ایران به روسیه ارسال می‌شد. در این دوره، ایران به عنوان بزرگ‌ترین بازار برای کالاهای روسی درآمد و مشهد با توجه به موقعیت جغرافیایی خود وارد تجارت گسترده با این کشور شد. از آنجا که توسعه شهری ارتباط نزدیکی با موقعیت جغرافیایی آن و راهها دارد، این مقاله به معرفی و شناخت راه مشهد- عشق آباد اختصاص دارد: راههای مشهد و مداخله روس‌ها، چه تأثیری بر توسعه شهری آنجا در آستانه سده بیستم نهاد؟

• واژگان کلیدی

مشهد، عشق آباد، روسیه، کنسولگری بریتانیا، تجارت.

تاریخ پذیرش مقاله: 1393/8/17

تاریخ دریافت مقاله: 1393/6/16

1. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

peiman.ab@gmail.com

2. استادیار تاریخ دانشگاه بیرجند

yahyaie@Birjand.ac.ir

مقدمه

مشهد در مناسبات بازرگانی میان ایران و روسیه در عصر قاجار اهمیت خاص داشت. نزدیکی مشهد به مرزهای روسیه برای بازرگانان روسیه فرصت مناسبی بود تا از مزایای تجاری قرارداد ترکمنچای (۱۲۴۳ق./ ۱۸۲۸م.) برخوردار شوند. تأسیس کنسولگری روسیه در مشهد (۱۳۰۶ق./ ۱۸۸۹م.)، احداث راه مشهد- عشق‌آباد در دوره ناصری و استقراض سال ۱۹۰۱م. و سلطه روسیه بر گمرک ایران، زمینه گسترده فعالیت اتباع روسی را در حوزه تجاری بیش از پیش فراهم آورد. در این دوره، مشهد بازار اصلی و محل تمرکز بازرگانی بود که با خروج مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های روسی از ایران، کالاهای مصنوعی ساخت روسیه را وارد می‌کردند. در مشهد، اسامی اغلب کالاهای خارجی به روسی بود و بسیاری از اتباع روسیه با تأسیس مراکز تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی، در تجارت مشهد- روسیه فعالیت داشتند. به این ترتیب، وابستگی اقتصادی ایران خصوصاً در منطقه خراسان به روسیه پیوسته افزایش می‌یافت، اما اندکی پس از انقلاب مشروطه و در سال ۱۳۲۸ق. جنبشی برای تحریم کالاهای روسی در مشهد پدید آمد.

استقراض از روسیه

در دوره مظفرالدین شاه و در ۱۹۰۱م. اخذ دو فقره وام به ارزش سی و دو میلیون روبل و اعطای عواید گمرکات به عنوان ضمانت پرداخت وام به روس‌ها، موجب گسترش نفوذ اقتصادی روسیه گردید. در همین سال، بنا بر قرارداد تجارته میان دو کشور، ورود کالاهای روسیه به ایران تسهیل شد (اوبن، ۱۳۹۱: ۲۳۴؛ جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۱۵۳). با این

همه، مؤثرترین عامل غلبه روس‌ها بر خراسان، استقراض از روسیه بود (دالمانی، 1335: 102). در این زمان کارمندان بلژیکی اداره گمرک در ایران نیز با روس‌ها همکاری کردند. امین الدوله در دوره کوتاه صدارت خود تصمیم گرفت امور گمرکی را اصلاح کند و به همین سبب چند متخصص بلژیکی- کشور بی طرف- استخدام کرد تا مراکز گمرکی را تحت اختیار دولت مرکزی درآورد (دستره، 1363: 313-289). متخصصان مذکور بعد از برکناری امین الدوله به ایران رسیدند و اداره گمرکات کرمانشاه و آذربایجان به بلژیکی‌ها سپرده شد (انتز، 1369: 91). به تدریج اداره گمرکات به نوز بلژیکی رسید و او پس از مدتی مقام وزیر کل گمرکات ایران یافت (تیموری، 1332: 393) و روس‌ها آنها را هم مثل امین‌السلطان تحت تسلط خویش درآوردند (امین الدوله، 1341: 256). نارضایتی مردم از کار کارکنان بلژیکی به سبب تأیید روس‌ها و روابط دوستانه میان آنها بود (شوستر، 1344: 23؛ انتز، 1369، 98).

یکی از شرایط روسیه برای پرداخت وام دوم به ایران عقد پیمان جدید بازرگانی بود (کاظم زاده، 1354: 344). در نتیجه، قرارداد گمرکی ایران و روسیه با کوشش وزیرمختار روس در تهران و اقدامات نوز، وزیر گمرکات ایران در زمان صدارت امین‌السلطان در 1319 ق. / 1901 م. میان دو کشور منعقد شد و دو سال بعد به اجرا در آمد (جمال زاده، 1335 ق. : 38). این قرارداد هفت ماده داشت و در آن، حذف تعرفه‌های مذکور در معاهده ترکمن‌چای پیش بینی شده بود و کاهش حقوق گمرکی از مال التجاره‌های روسی در هنگام ورود به ایران، از صدی 5 به صدی 1/5 درصد. این امتیازات، می‌توانست تبعات زیانباری برای اقتصاد ایران به بار آورد (تیموری، 1332: 403-400). به عبارت دیگر، تعرفه جدید به معنای گسترش تجارت روسیه در ایران و جلوگیری از بازرگانی ایران در

روسیه بود. بعد از این قرارداد، روسیه به راحتی می‌توانست مواد و مصالح تجاری را از طریق کنسول‌ها و گمرک در اختیار و تحت نظارت داشته باشد (نورایی، ۱۳۸۶: ۷۸).

نتایج قرارداد گمرکی

پیامدهای قرارداد گمرکی با روسیه بسیار زود در اقتصاد ایران نمایان شد. برقراری تسهیلات برای کالاهای روسی موجب رونق کالاهای این کشور در ایران نسبت به کالاهای وارداتی از دیگر کشورهای غربی گردید (صدیق الممالک، ۱۳۶۶: ۳۹۶-۴۰۰). در میان کالاهای صادراتی از روسیه به ایران در سال ۱۹۱۰م. قند در مقام نخست بود و ۸۴ درصد قند مصرفی ایران را در بر می‌گرفت (پاولویچ، ۱۳۲۹: ۳۱). در مقابل، نزدیک به هفتاد درصد صادرات ایران به روسیه بود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۲۹). تقریباً همهٔ محصول پنبه، که از اوایل قرن بیستم مهمترین محصول صادراتی ایران به شمار می‌آمد، به روسیه صادر می‌شد و مقدار ناچیزی را نیز به هند و عثمانی صادر می‌کردند (جمال زاده، ۱۳۳۵ق: ۱۶-۲۴؛ لیتن، ۱۳۶۷: ۹۶).

به نظر چارلز عیسوی، یکی از عوارض قرارداد گمرکی ایران و روسیه سرازیر شدن کالاهای ارزان قیمت روسی به ایران بود که صنایع داخلی توانایی رقابت با آنها را نداشتند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۲۲۶). ناگفته نماند که روس‌ها به این اندازه نیز بسنده نکردند و برای توقف تأسیس کارخانجات در ایران، برخی محصولات تولیدی خود را حتی پایین‌تر از قیمت تمام شده در روسیه عرضه کردند (جمال زاده، ۱۳۳۵ق: ۹۶-۹۳). روشن است که این اقدامات برای کنار زدن تجار خارجی و داخلی صورت می‌گرفت. تقریباً همهٔ کارخانه‌هایی که تجار و سرمایه‌داران داخلی در ایران تأسیس می‌کردند، در میانهٔ راه

متوقف می‌شد یا به ورشکستگی می‌رسید (جمال زاده، 1335ق: 96-93؛ هدایت، 1344: 65). بدین ترتیب، قرارداد گمرکی ایران و روسیه را می‌توان یکی از علل انحطاط و تعطیلی صنایع نوپای ایران دانست (کسروی، 1385: 43؛ ناظم الاسلام کرمانی، 1384: 102؛ دهقان و احمدی اختیار، 1388: 17). این موضوع حتی در سفرنامه‌ها و خاطرات اشخاص نیز انعکاس یافته است (حاج سیاح، 1346: 211-210). به نظر ادوارد براون، قرارداد گمرکی با روسیه حتی مقدمه و یکی از عوامل مهم نارضایتی مردم و بروز جنبش مشروطیت بود (براون، 1338: 110).

اهداف اقتصادی روس‌ها پس از قرارداد گمرکی را می‌توان در دستورالعمل وزارت امور خارجه روسیه به اشیایر وزیرمختار این کشور دید که یک سال پس از اجرای قرارداد و در سال 1904م. نوشته شد:

«حفظ تمامیت و تجاوزناپذیری قلمرو شاه، بی‌آنکه خواسته باشیم چیزی بر متصرفات ارضی خود بیفزاییم، بی‌آنکه برتری و استیلای دولت سومی را جایز شماریم... به عبارت دیگر، وظیفه ما آن است که ایران را از نظر سیاسی در دست خود مبدل به آلتی کنیم مطیع و سودمند و از نظر اقتصادی، حفظ بازار بزرگ ایران برای خودمان، تا بتوانیم کار و سرمایه روسی را در آنجا آزادانه به کار بریم» (کازم زاده، 1354: 440-430). روس‌ها به این نتیجه رسیده بودند که همسایه‌ای ضعیف و ورشکسته بر کشوری ضمیمه شده، برتری دارد: با کمترین هزینه و مسئولیت، می‌توان به همه منافع در ایران به ظاهر مستقل دست یافت. البته قرارداد گمرکی تنها عامل این همه رونق داد و ستد روسیه با ایران نبود، بلکه عوامل دیگری نیز تأثیر داشت، مانند مرزهای مشترک، ایجاد راه شوسه و تأسیس بانک به دست کمپانی‌های روسی، که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

عوامل حضور روسیه در مرزهای شمال و شرق ایران

گویا یکی از مهمترین دلایل پیشروی نظامی روس‌ها در ترکستان، تضعیف موقعیت انگلیس در هند بود، با این حال به هشدار بریتانیایی‌ها به دولت ایران در خصوص توسعه طلبی روسیه در منطقه مذکور اعتناء نشد و روسیه تزاری میان سال‌های ۱۳۰۱-۱۲۸۵ ق. / ۱۸۸۴-۱۸۶۸ م. نواحی شرقی ایران، مانند خجند، خیوه و بخارا، عشق‌آباد و مرو را تصرف کرد و این کشور با ایالت خراسان هم مرز شد (اوبن، ۱۳۹۱: ۲۳۴-۲۳۳). در آغاز، بازار خراسان با مرکزیت مشهد برای روس‌ها اهمیت ثانویه داشت و بعدها به مقام اول تبدیل شد. روس‌ها راه‌های شوسه منتهی به خراسان را در دست گرفتند و تا بعد از جنگ جهانی اول نیز بر آن تسلط داشتند (لیتن، ۱۳۶۷: ۱۰۷). نقشه احتمالی روسیه تزاری در این مقطع زمانی (۱۳۰۶ ق. / ۱۸۸۵ م.) فتح نظامی خراسان بود، چنانکه در گزارش کلنل زالاتارف به تزار روس به طور مبسوط تشریح شده است: «ما همچنین می‌توانیم در پی تصرف اماکن حاصلخیز مشهد، شروان و بجنورد باشیم و ثروت آنجا را به خود اختصاص دهیم و برای این فقره اشکالات زیادی نیست... هرگاه دولت ایران با ما خصومت نشان دهد خراسان را از تهران جدا خواهیم کرد». او سپس راه پراهمیت عشق‌آباد به مشهد و مشهد تا تهران را به طور کامل برای تزار روس توصیف کرده است (علاءالملک، ۱۳۶۲: ۷۴-۶۸). البته بیست سال بعد، سیاست روس‌ها در باره این منطقه خراسان به کلی تغییر کرد. در ۱۹۰۶ م. در کنفرانس وزیران روسیه، وزیر دارایی روس ضمن بررسی اوضاع ایران، نفوذ بیشتر روس‌ها در ایران را خطرناک و تهدیدی برای منافع روسیه دانست (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۴۶۵).

روسیه در این زمان به راه عشق آباد - مشهد به عنوان دروازه ورودی برای دست‌اندازی کامل نظامی بر ایالت ثروتمند خراسان می‌نگریست. به همین منظور شهر تازه تأسیس عشق آباد را رونق بخشید. کوراپاتکین، حاکم شهر از طرف دولت روس اعلام داشت: هر کس که قصد داشته باشد هر قسمت از اراضی عشق آباد را بگیرد و بسازد آزاد است. بنا بر این، در 1300 ق. / 1880 م. اقلیتی از بای‌ها در عصر ناصری از تبریز، یزد و خراسان (اشراقی، 1388: 270) به این شهر مهاجرت کردند و از راه فعلگی و بنایی به ملاکی و تجارت رسیدند و البته تابعیت روسیه را نیز پذیرفتند (انتز، 1369: 37). گو اینکه فرمان‌های رهبران اقلیت مذکور در این مهاجرت گسترده بی تأثیر نبود (اشراقی، 1388: 270). علاوه بر آن، سیاست و شیوه حاکم شهر و دولت روس در آزادی مذهبی، بازار عشق‌آباد را بیشتر از عوامل دیگر گرما می‌بخشید (اشراقی، 1388: 271). نظر کوراپاتکین در یادداشت‌های محرمانه خود، در باره موقعیت سوق الجیشی عشق آباد، حاکی از آگاهی عمیق وی نسبت به بازارهای ایالت خراسان است. او در 1897 م. خطاب به تزار نوشت:

«ما ناگزیر هستیم از یاد نبریم که اگر امروز ایران برای ما دارای اهمیت بزرگ سیاسی - اقتصادی نیست، اما برای فرزندان ما چنین اهمیتی به اندازه بسیار پدید خواهد آورد. امروز ما آنچنان که باید نیرومند نیستیم که حتی با پشتیبانی حکومت بتوانیم بازارهای آذربایجان، تهران و حتی خراسان را یکسره به دست گیریم» (کولاگینا، 1359: 12). تقریباً 10 سال بعد، پیش‌بینی وی به واقعیت پیوست: غله خراسان، پنبه، بهترین مشروبات، دام، تخم مرغ، مرغ و پشم از مشهد و دیگر شهرهای خراسان، از این راه به عشق آباد صادر می‌شد (بیت، 1365: 67-55 و 157-155؛ دالمانی، 1335: 596).

سرانجام کار به آنجا رسید که تاجران روسی - ارمنی درختان گردوی منطقه فریزی را خریدند و قطعه قطعه کردند و با گاری به عشق آباد بردند (همان: ۳۳۳).

راه عشق آباد - مشهد

احداث راههای مواصلاتی، وجود شبکه حمل و نقل، جاده‌های ایمن و مناسب از شاخصه‌های توسعه یافتگی در هر کشوری است و زمینه‌های توسعه را از جهات مختلف فراهم می‌کند. با این حال، ایران در سده نوزدهم به رغم موقعیت آن در مسیر استراتژیک آسیا و اروپا و از سوی دیگر، دسترسی به آب‌های آزاد، سهم اندکی در مبادلات تجاری داشت و یکی از مهم‌ترین علل، آن بی‌توجهی حکومت قاجار به راه‌سازی بود. سیاحان و نویسندگان غربی نیز به جاده‌های نادرست و ناامن اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال دالمانی، در اواسط سده نوزدهم، گزارشی از وضعیت نامطلوب راه‌سازی اطراف شهر مشهد به دست داده است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۵۸۹). به نوشته بیت: «در مشهد و سایر شهرهای ایران هیچ حاکمی به فکر ساختن جاده نیست و اصلاً به فکر تأمین رفاه عمومی نیستند و در این خصوص حکومت افغانستان علاقه بیشتری نشان می‌دهد» (بیت، ۱۳۶۵: ۷). کرزن نیز به کشته شدن کارگران راه‌سازی به سبب رعایت نکردن موازین مهندسی در ایران اشاره کرده است (کرزن، ۱۳۸۰: ۱۴۴/۱) به نوشته او، این راه چندان خراب و نامطلوب بود که اغلب مسافران و زوار تهران به مشهد، راه غیرمستقیم دیگری را انتخاب می‌کردند: راهی که از تهران به انزلی و باکو آغاز می‌شد و از آنجا به گراسنودسک در ساحل شرقی دریای خزر می‌رفت، مسافران از آنجا با قطار به عشق آباد و در پایان با وسایل نقلیه عازم مشهد

می‌شدند. این راه که از نظر مسافت بسیار طولانی‌تر از مسیر مستقیم تهران - مشهد بود، از نظر زمانی مسیری کوتاه‌تر محسوب می‌شد (همان: 1/ 258-259).

پیش از آغاز قرن بیستم، راه عشق آباد- مشهد را یکی از بازرگانان سرشناس، رضا رئیس‌التجار مرمت کرد (همان، 1/ 138-140)، اما از آنجا که مراقبت لازم را در حفظ این جاده به جای نیاورد، وضعیت حمل و نقل مسافران و محصولات تجاری با دشواری انجام می‌شد (جمال زاده، 1335: 87 و 50). همزمان با آغاز سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا، وی در توافق با روسیه اتمام راه شوسه مشهد به عشق آباد را پذیرفت (علاء الملک، 1347: 170). در تکمیل جاده مذکور، حتی راه بین مشهد و شریف‌آباد، که به تهران منتهی می‌شد، در سال 1902م به همت دولت ایران ترمیم شد (Burrel, 1997: 38)، اما راه مشهد- عشق آباد به وضع سابق ماند. بُعد دیگر در اهمیت جاده عشق آباد- مشهد، جنبه نظامی بود. احداث جاده ای که عشق آباد را از راه مشهد- تهران به قصر شیرین برساند، برای جلوگیری از نفوذ انگلیس‌ها و آلمان‌ها و به منزله تثبیت قدرت روس در ایران به عنوان آخرین مانع نفوذ انگلیس در 1906م. در کنفرانس وزیران روسیه مطرح شد (کاظم زاده، 1354: 465). در نتیجه روس‌ها شوسه کردند و امور حمل و نقل آن را نیز به خود اختصاص دادند و شرکت‌هایی هم تأسیس کردند که در مشهد فعالیت داشتند، مثلاً شرکت حمل و نقل روسی که تعرفه و نرخ باربری را در مشهد و شهرهای اطراف معین می‌کرد و از این راه به عایدات سرشاری دست می‌یافت. (دالمانی، 1335ق: 610-611).

وصول عوارض راهداری و نظارت بر عبور و مرور در این جاده در دست روس‌ها بود. مسافری که می‌خواست در این جاده رفت و آمد کند، باید قبلاً از وزارت امور خارجه روسیه اجازه کتبی می‌گرفت. ناگفته نماند که در بیشتر موارد، عبور و مرور تاجران

بریتانیایی از این مسیر ممنوع بود (دالمانی، ۱۳۳۵: ۵۶۷). همین راه در جنگ جهانی اول برای حمل و نقل واحدهای ارتش روسیه تزاری نیز به کار آمد.

اهمیت اقتصادی مشهد

مشهد، به عنوان مهم‌ترین شهر تجاری خراسان در دو قرن اخیر، با هندوستان افغانستان و روسیه مناسبات بازرگانی داشت. از دوره قاجار، تجارت با روسیه گسترش بیشتری یافت؛ به ویژه که روسیه همچنین مسیر ترانزیتی برای اروپا محسوب می‌شد. کالاهای عمده صادراتی از مشهد به روسیه، بیشتر مواد خام مانند پنبه، پشم، پوست و قالی بود و در مقابل از این کشور قند، نفت، آهن و ابریشم وارد می‌شد. بیشتر تجارتخانه‌های مشهد با روسیه در ارتباط بودند و علاوه بر آن، خراسانی‌های بسیاری هم در روسیه به فعالیت اقتصادی اشتغال داشتند و شرکت‌های تجاری و حمل‌ونقل روسیه نیز در مشهد کار می‌کردند. با این همه، این شهر در سده نوزدهم بافتی کهنه داشت و بسیاری از اروپاییان به این موضوع اشاره کرده‌اند (ییت، ۱۳۶۵: ۳۰۲؛ دالمانی: ۱۳۳۵: ۶۱۰). مقارن اواخر دوره قاجار، وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه و انحصار تجارت در دست دولت جدید شوروی، فعالیت بازرگانی ایران در ارتباط با روسیه را به دشواری انداخت. بسیاری از ایرانیان که از خراسان، قفقاز، آذربایجان، یزد و کاشان مهاجرت کرده و گاه سال‌ها در روسیه مشغول تجارت بودند، ناچار به سبب تابعیت ایران بازگشتند: برادران نصیر بیکاف، علی درودی، وهاب اف، هارطونیان، کاشانسکی، حاج کاظم علی اصغراف از مهم‌ترین تجار شناخته شده مقیم روسیه و عشق‌آباد بودند که اموال خود را به مشهد منتقل کردند و آمدن آنها بر تجارت مشهد تأثیر نهاد، اما بسیاری از تاجران که دیرتر اقدام کردند،

بخش‌هایی از سرمایه‌های خود را از دست دادند. شهرت خانوادگی تاجران مرتبط با روسیه پسوند آف داشت و غالباً همان‌ها در شکل‌گیری اتاق تجارت مشهد نقش ایفا کردند و بزرگ‌ترین تاجران خراسان در دوره پهلوی از میان آنها برخاستند (دنیای اقتصاد، ش 2504، 90/8/21: 31)

در سده نوزدهم، گرچه شهر مشهد از نظر تجاری مرکز بسیار مهمی بود، اما صنایع محلی کمتر در آن دیده می‌شد. مسگران دیگ‌های بزرگ و کوچک و ظروفی مسی را با دست و چکش و سندان می‌ساختند. تجارت قالی‌های کردستان و عراق عجم بیشتر در همدان متمرکز بود و از طریق بغداد و فرش‌های ترکستان، هرات و بلوچستان به دست تاجران مشهدی از راه آسیای مرکزی به خارج صادر می‌شد (اوبن، 1391: 72) و شال‌های مشهد و الیجه نیز شهرت داشت. در مشهد تقریباً 200 دستگاه دستی برای بافت پارچه‌های ابریشمی نیز موجود بود. پارچه‌های پشمی بافت مشهد دو قسم بود: قسم اول را هفت‌رنگ می‌گفتند که با موی بز یا پشم میش بافته می‌شد و قسم دوم را اسلامبولی می‌نامیدند (دالمانی، 1335: 640). فرشی که در مشهد بافته می‌شد، چندان لطیف و مطلوب نبود، با این همه صنعت فرش‌بافی در آنجا رونق داشت. فرش‌ها را با دستگاهی می‌بافتند که 2/5 تا 3 متر عرض و 4 تا 5 متر طول داشت و پشم پاییزی در آن بیشتر به کار می‌رفت. اغلب فرش‌ها را تاجران صادرکننده می‌خریدند و به استانبول می‌فرستادند و از آنجا به اروپا و آمریکا حمل می‌شد (همان، 640-638). علاوه بر این، سه کارخانه کوچک سیگارسازی در این شهر وجود داشت که توتون را از گیلان به مشهد می‌آوردند (همان، 640-638).

روس‌ها در مشهد

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، با وجود کوشش برخی از فرماندهان نظامی روسیه در سده نوزدهم، گرچه حضور نظامی این کشور در ایالت خراسان و به ویژه مشهد آنقدرها پررنگ نبود، اما نقش مهمی در معادلات سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کرد. پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م. میان روس و انگلیس، دخالت‌های کنسولگری روسیه اندک اندک افزایش یافت. دابیزا، سرکنسول روس در مشهد برای مقابله با نفوذ انگلیس و نیز مشروطه خواهان، تفرقه افکنی میان اتباع روس و اهالی شهر را آغاز کرد (وین، ۱۳۸۳: ۲۳۸). سه سال بعد از نهضت مشروطه، زمانی که احساسات ضد روسی اوج گرفت، روس‌ها شمار محافظان کنسولگری را افزایش دادند و ۱۰۰ قزاق به شهر آوردند که مخالفت انجمن‌های مشروطه خواه را در پی آورد (کتاب نارنجی، ۱۳۶۶: ۳۳۱/۲). رکن الدوله، حاکم شهر در پاسخ به شورش در شهر و با اطمینان از حمایت روس‌ها، دستور تیراندازی داد (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۲۴۵۸/۴؛ کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۳۸۲/۲). اوضاع شهر مشهد تا یک سال بعد، همچنان سخت مغشوش و آشفته بود (حبل‌المتین، ۱۳۲۸: س ۱۸، ش ۱۴)، چنان که شماری از تاجران و کسبه مشهد با ارسال نامه‌ای به مجلس، خواهان انتصاب حاکمی باکفایت شدند (شریف کاشانی، ۱۳۶۰: ۵۲۵/۴).

نقش روس‌ها در حوزه اقتصاد ایالت خراسان و به ویژه مشهد متفاوت‌تر بود. کنسول روسیه در مشهد در ۱۸۹۷م. به بهانه جلوگیری از سرایت طاعون، که در بمبئی شیوع یافته بود و امکان انتقال آن از طریق تاجران هندی-انگلیسی وجود داشت، پست‌های قرنطینه‌ای در مسیر سیستان-مشهد برپا کرد و گام مؤثری در توسعه حضور خود در این ایالت برداشت. احداث پست‌های قرنطینه، موجب حضور حدود ۱۲۰ نفر از نظامیان قزاق

برای امنیت پزشکان روس می‌شد و بدین ترتیب، روابط تجاری هند- خراسان نیز مختل گردید (Burrel, 1997: 121-122؛ کاظم زاده، 1354: 389).

تجارت با روسیه برای مشهد، مهم تر از تجارت با تهران بود: تنها جاده مدرنی که در سال 1892م. راه‌اندازی شد، مشهد را به عشق آباد مرتبط می‌کرد. در این زمینه باید گفت که روابط بازرگانی با ایران از لحاظ مواد خام اولیه و نزدیکی به روسیه اولویت داشت. حذف حقوق راهداری داخلی در 1321ق./1901م. نیز موجب ترقی صادرات ایران گردید (جمال زاده، 1335ق.: 8-9). به تدریج بازارهای خراسان سرشار از اجناس و محصولات روسی شد، چنانکه به نوشته کرزن: «به وسیله اطلاعاتم در مشهد به من اطمینان دادند در حالی که مقدار کل تجارت خراسان بدون تردید در دست روس‌هاست... اجناس ارزان در همه جا هست و تماما از روسیه می‌آید» (کرزن، 1380: 283/1). از بازار قوچان نیز انبوهی مال التجاره به روسیه صادر می‌شد و بازار آن به طور کامل در دست روس‌ها بود (دالمانی، 1335: 596). در مجموع چنین به نظر می‌رسد که معامله روس‌ها با ایرانیان در حوزه امور تجاری به صنایع داخلی شهرها ضربه زد. به عنوان نمونه: ورود پارچه‌ها و اجناس ارزان قیمت از روسیه امکان تولید مخمل‌های سنتی رنگارنگ در مشهد، کاشان و اصفهان را کاهش داد (کرزن، 1380: 626/2). با این حال روس‌ها فعالیت‌های عمرانی نیز داشتند. آنها برای افزایش تولید پنبه در زمین‌های زراعی ایالت خراسان و به ویژه منطقه درگز، به کشاورزان وام‌های مناسب می‌دادند. در نتیجه، کشت پنبه از 1900م. تا 1905م. در خراسان دو برابر شد (عیسوی، 1362: 378). و بنا بر یکی از اسناد، دو بازرگان تبعه روس به نام‌های ویرمکروبیچ یانس و نرسیانس در شهرهای نیشابور، سبزوار و تربت کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی ساختند و در 1323ق./1905م. وزیر امور خارجه ایران

مشیرالدوله در فرمانی به کارگزاری خراسان، موافقت خود را با فروش زمین به بازرگانان روسی در تربت و سبزوار برای ساخت کارخانه پنبه پاک‌کنی اعلام کرد. دیری نگذشت که کارخانه‌های پنبه پاک‌کنی یکی پس از دیگری در شهرهای مختلف خراسان تأسیس شد. بنا بر اسناد کنسولگری بریتانیا، روس‌ها در منطقه آسپیدان دو قنات برای کشاورزان حفر کرده و زمین‌های این مناطق را به زیر کشت برده‌اند (Burrel, 1997: 53). آنها برای پیشبرد اهداف خود، در مناطقی از جمله قوچان و درگز از طریق صرافان ارمنی، خرید زمین‌های زراعی را آغاز کردند (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۳۹۳ و ۴۴۸). در برخی موارد نیز تعدادی از تاجران، از جمله معاون‌التجار در مشهد، زمین‌های پهناوری برای هدیه در خارج از شهر به دولت روسیه پیشنهاد دادند (Burrel, 1997: 228).

یکی از مهمترین ابزار اجرایی سیاست اقتصادی حکومت روسیه تزاری در ایران، بانک استقراضی بود. این بانک در سال ۱۳۱۱ ق. / ۱۸۹۱ م. در معرض ورشکستگی قرار گرفت و همه سهامش با مداخله وزیر مالیه آن کشور به پترزبورگ انتقال یافت. این بانک در همان سال در ایران تأسیس شد و با پرداخت دو وام سنگین به ایران، امتیاز عواید گمرکات کل ایران به جز خلیج فارس را به دست آورد و فعالیت در عرصه‌های اقتصادی را به صورت گسترده‌ای آغاز کرد (لیتن، ۱۳۶۶: ۴۴؛ سایکس، ۱۳۸۰: ۵۳۸/۲). شعبه‌ای از این بانک در سال ۱۹۰۲ م. در مشهد دایر شد (ادب، س ۲، ۱۳۲۰ ق. : ش ۲۰).

بانک استقراضی را سابانسکی روسی و فاندرا کلاو آلمانی با نام «پرتس» افتتاح کردند (Burrel, 1997: 38). بنا بر اسناد کنسولگری بریتانیا، این بانک کارمندان بسیاری استخدام کرد و بزرگترین ساختمان شهر مشهد را در اختیار داشت (Ibid: 59). در آغاز، بانک روسی، تأسیساتی جدید نزدیک به مایل در تقی آباد، خارج از شهر مشهد ساخت (Ibid: 411)

حفاظت از بنای ساخته شده توسط مهندسان روس بر عهده قزاق‌ها بود (bid: 416). بسیاری از حکام ایالت خراسان از جمله شجاع الدوله والی قوچان، پول‌های خود را به بانک‌های روسیه می‌سپردند (کاظم زاده، 1354: 393). فعالیت بانک روسی، در سطح گسترده‌ای آغاز شد و از جمله به تجار مشهدی اطلاع داد که کارخانه‌های تولید شیشه و لباس در نزدیکی مشهد به راه خواهد افتاد (Ibid: 86). این بانک از سوی دیگر، فعالیت‌های تجاری را در سیستان نیز وسعت بخشید، به طوری که در 1902م. کاروان بزرگ تجاری، شامل محصولات شکر و اجناس چینی به این منطقه فرستاد (Ibid: 115-116). یکی از اهداف این بانک روسی حمایت از تاجران روس و حذف بازرگانان هندی-انگلیسی و بومی بود. نخست چنین به نظر می‌رسید که بازرگانان ایرانی و هندی برای تجارت در شهر مشهد، توان رقابت با روس‌ها را داشته باشند. در همین زمان بعضی از مغازه‌های اروپایی در این شهر افتتاح شدند و قیمت املاک و مستغلات افزایش یافت (Ibid: 49). تاجران هندی-بریتانیایی در این زمان از راه نوشکی-سیستان به تجارت چای اشتغال داشتند و بنا بر گزارش‌های کنسولگری بریتانیا، برخی از آنها مانند خانم کلمنتسون و اوزلی تصمیم گرفتند در مشهد شرکتی به نام کمپانی ایرانی شرقی تأسیس کنند. با این همه طولی نکشید که برخی از تاجران غیر روس در جلسات با کنسول بریتانیا در مشهد، از کوشش بانک روس برای ورود چای از راه باتوم شکایت کردند و اینکه در برخی از راه‌ها، حق گمرک برای تاجران غیرروس بسیار بالاست (Ibid: 402-403). البته به اعتراض آنها در باب تجارت چای از جاده سیستان اعتناء نشد و در نتیجه خسارات هنگفتی بر تاجران مذکور وارد آمد (Ibid: 220). در مقابل، آرامنه از کنسول روس درخواست تخفیفات گمرکی بیشتری کردند تا بتوانند با تاجران انگلیسی- هندی رقابت کنند (Ibid: 64). نکته جالب اینکه بانک روسی در مشهد

فعالیت‌های نظامی هم داشت (Ibid < 132). بنا بر گزارش کنسولگری انگلیس، این بانک مقداری مهمات نظامی را از طریق تاجران روسی به سیستان فرستاد و گمرک نتوانست جلوی آنها را بگیرد (Ibid, 118-119).

سرانجام در ماه‌های اول سال ۱۹۰۶م. و در بحبوحه بحران‌های اقتصادی در ایران و احتمالاً مرگ مظفرالدین شاه، موجبات نزدیکی روس و انگلیس فراهم شد. پیچیدگی مسائل بازرگانی ایجاب می‌کرد که آنها به توافقات مشخص‌تر و کامل‌تری دست یابند. بنابراین در ۱۹۰۷م. انگلستان در شرق ایران به دو ایالت سیستان و مکران، که به لحاظ سوق الجیشی و حفظ امنیت هند، اهمیت خاص داشتند، قناعت کرد و تجارت در منطقه شمال و شرق ایران را عملاً به روس‌ها واگذاشت. بدین ترتیب، تجارت در منطقه خراسان به انحصار کامل روس‌ها در آمد. مقررات جدید گمرکی روس‌ها موجب شد موقعیت مشهد به عنوان مرکز توزیع چای و نیل و سایر اقلام وارداتی از هند به ممالک آسیای مرکزی از دست برود. به نظر ییت، پس از مدتی، تاجران مشهدی به سبب قوانین ناعادلانه گمرکی ورشکسته شدند و تجار بومی و یهودی شهر دیگر نقش مهمی در مبادلات اقتصادی نداشتند (ییت، ۱۳۶۵: ۳۰۷ و ۲۷۸-۲۷۷). ملک الشعراى بهار توصیف خوبی از حضور روس‌ها در مشهد این زمان به دست داده است:

«عجبا مکتوب داریم همه از ستمکاری روس، تلگراف داریم همه از جفاکاری روس، به تفریح بیرون می‌شویم همه حرکات دیوانه‌وار قزاق روس. راپورت شهری داریم همه تعدیات بستگان روس، روزنامه می‌خوانیم همه کافرماجریی و آدمکشی و غارتگری و خانمان سوزی روس. آه مگر ما چه کرده‌ایم، مگر قزاق روس چه کاره است؟ آیا ناموسی

بزرگتر از وطن، مسجد، زن برای مسلمانان ایران هست که روس بدان دست‌اندازی نکرده باشد (نوبهار، س 1: 1329)».

نتیجه

ایران در سده نوزدهم گرفتار معادلات پیچیده جهانی استعمارگران بود. روسیه تزاری که در معاهدات گلستان و ترکمن‌چای، بخش‌هایی از سرزمین‌های منطقه قفقاز را از ایران جدا کرد، به دنبال قرارداد آخال در مناطق آسیای مرکزی نیز به دست‌اندازی و تاخت و تاز پرداخت، طوری که سپاه آنها تا مرزهای خراسان پیش آمد. سپس سیاست نظامی خود را تغییر داد و مشی انحصار اقتصادی را در پیش گرفت. از طریق راه مشهد- عشق آباد، اختیار تجارت در شهرهای خراسان و به ویژه مشهد به دست روس‌ها افتاد و با آنکه برای تأمین بهتر منافع خود به برخی امور عمرانی نیز توجه نشان می‌دادند، با این حال، حضور اقتصادی آنها پیامدهای زیانباری در حذف تاجران هندی- بریتانیایی و بومی شهر مشهد داشت و اوضاع اقتصادی و اجتماعی این شهر مهم ایرانی را دگرگون کرد.

منابع و مأخذ

کتاب ها

- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجار، تهران: زمینه.
- انتز، مروین (۱۳۶۹)، روابط بازرگانی ایران و روس ۱۸۲۸-۱۹۱۴، ترجمه: احمد توکلی، تهران: بنیاد موقوفات ایرج افشار.
- اوبن، اوژن (۱۳۹۱)، ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷): سفرنامه و خاطرات اوژن اوبن سفیر فرانسه در ایران در آستانه جنبش مشروطیت، تهران: علم.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۳۸)، انقلاب ایران، ترجمه: احمد پژوه شیرازی، تهران: کانون معرفت.
- بشیری، احمد (به کوشش) (۱۳۶۶)، کتاب نارنجی، ۲ج، ترجمه: فتح الله دیده بان، تهران: نشر نو.
- _____، (۱۳۶۲)، کتاب آبی، تهران: نشر نو.
- پاولویچ، میخائیل (۱۳۲۹)، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه های اجتماعی و اقتصادی آن، ترجمه: محمداقبر هوشیار، [بی جا]: رودکی.
- تیموری، ابراهیم (۱۳۳۲)، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال.
- جمال زاده، محمد علی (۱۳۳۵ق.)، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، برلین: کاوه.
- حاج سیاح (۱۳۴۶)، خاطرات حاج سیاح، به کوشش: حمید سیاح، [بی جا]: ابن سینا.
- دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه: محمدعلی فره وش، تهران: امیرکبیر.
- دستره، آنت، مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران (۱۸۹۵-۱۸۹۸)، ترجمه: منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ.
- سایکس، سرپرسی مولز ورث (۱۳۸۰)، تاریخ ایران، ۲جلد، ترجمه: محمد تقی فخر داعی، تهران: افسون.
- شریف کاشانی، محمد مهدی (۱۳۶۰)، واقعیات اتفاقیه، ج ۴، به کوشش: منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ.
- شوستر، ویلیام مورگان (۱۳۴۴)، اختناق ایران، ترجمه: ابوالحسن موسوی شوشتری، تهران: صفی علیشاه.
- صدیق الممالک (شیبانی، ابراهیم) (۱۳۶۶)، منتخب التواریخ، تهران: علمی.
- علاالملک، محمود (۱۳۴۷)، گزارشهای سیاسی علاالملک، به کوشش: ابراهیم صفایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: گستره.

- عین السلطنه (1374)، روزنامه خاطرات عین السلطنه، 10 جلد، به کوشش: مسعود سالور، تهران: اساطیر.
- کاظم زاده، فیروز (1354)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: کتاب‌های جیبی.
- کرزن، جرج ناتانائیل (1380)، ایران و قضیه ایران، 2 جلد، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کسروی، احمد (1385)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: نگاه.
- کرمانی، ناظم الاسلام (1384)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیر کبیر.
- کولائینا، لودمیلا (1359)، استیلای امپریالیسم بر ایران، ترجمه: سیروس ایزدی، تهران: علم.
- لیتن، ویلهلم (1367)، ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی، ترجمه: مریم میر احمدی، تهران: معین.
- ناظم، حسین (1380)، روس و انگلیس در ایران (1914-1900)، بر اساس اسناد سیاسی کشورهای بریتانیا، فرانسه، آلمان، روسیه و ایالات متحده آمریکا، ترجمه: فرامرز محمدپور، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نورایی، مرتضی (1386)، نقش کارگزاری‌های داخلی وزارت امور خارجه در روابط ایران و بریتانیا (1928-1890/1346-1308)، تهران: وزارت امور خارجه.
- وین، آنتونی (1383)، ایران در بازی بزرگ، ترجمه: عبدالرضا هوشگ مهدوی، تهران: پیکان.
- هدایت، مهدیقلی (1344)، خاطرات و خطرات، تهران: زوار.
- ییت، چارلز ادوارد (1365)، سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه: قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران: یزدان.

نشریات

- ادب، سال دوم، ش ۲۰، ۵ صفر ۱۳۲۰ ق.
- حبل‌المتین، ش 22، سال 10 (1320 ق.)
- _____، س 18، ش 14، 21 رمضان 1328 ق.
- دنیای اقتصاد، ش 2504، مورخ 1390/8/21
- نوبهار، سال اول، شهریور 29، 1329 ق.

مقالات

دهقان، مرتضی و مهدی احمدی اختیار، «تحلیلی بر قرارداد گمرکی ایران و روسیه در دوره قاجار»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۲۱، بهار ۱۳۸۸.

اشراقی، محمد رضا، «عشق آباد روسیه، بهائیان و دولت تزاری»، تاریخ معاصر ایران، س ۱۳، ش ۴۹، بهار ۱۳۸۸.
 حسنی، سید رحمان، «پنبه و تجارت آن در عصر قاجار با تکیه بر اسناد بایگانی (۱۸۴۷-۱۹۱۴ / ۱۲۶۴-۱۳۳۲)»
 فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش ۳۳، زمستان ۱۳۸۶.

خلیفه، مجتبی و براتعلی نجف زاده، «پژوهشی پیرامون علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اتاق تجارت مشهد در اوایل دوره پهلوی»، همایش ریشه‌های رشد شاخصه‌های شکوفایی، به کوشش: محمد نهبوندیان و ایمان نیک فرجام، تهران: اندیکا، ۱۳۹۰.

_____، انقلاب بولشویکی و تشکیل اتاق تجارت مشهد، روزنامه دنیای اقتصاد،

ش ۲۵۰۴، مورخ ۹۰/۸/۲۱ ص ۳۱

Burrel, R.M, and R.L Jarman (eds.), Iran Political Diaries 1881-1965, vol 2. Archieve Editions Limited, London 1997.